

کمال عبادت

مقدمه :

عبادت چهار مرحله دارد هر مرحله‌ای هم شرایطی دارد، مرحله تکلیف، مرحله صحت، مرحله قبولی و مرحله کمال. سه مرحله را در درس های قبل گفته شد. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم، یعنی بالغ شدیم، عاقل شدیم و توانایی داشتیم به مرحله دوم می‌رسیم که آن مرحله صحت است، یعنی عبادت را صحیح باید انجام دهیم و عبادت صحیح را باید از یک مرجع تقلید و کارشناس دینی که جامع شرایط است بپرسیم. و بعد از این مرحله کارهایی را باید انجام دهیم که عبادت قبول باشد، مرحله سوم مرحله قبولی عبادت است. شرایط زیادی داشت که در مرحله قبل گفته شد، شرایط اخلاقی، شرایط اجتماعی، شرایط اعتقادی، شرایط سیاسی، شرایط خانوادگی، بعد از این سه مرحله، مرحله چهارم کمال عبادت است.

مرحله چهارم: کمال

«عبادت» را می‌توان به ساختمانی تشبیه کرد. هر ساختمان دارای ارکانی مثل ستون‌ها، واجباتی مثل درب و پنجره، وسیله گرما و وسیله خنک‌کننده، و ویژگی‌های تزئینی‌ای، مثل لوستر، رنگ‌آمیزی، و نورپردازی است. در مرحله بعد (چهارم) می‌توانیم کارهایی انجام دهیم که عبادات ما نورباران شده و به آسمان بروند. در این صورت، فرشته‌ها این عبادت ما را نشان می‌دهند.

۱. عبادت اول وقت

عبادت اول وقت، نشان‌دهنده فرمانبری ماست. اگرچه وقت نماز ظهر از زوال آفتاب تا چهار رکعت به مغرب توسعه دارد؛ اما کسی که نمازش را زودتر می‌خواند، نمازش کامل‌تر است. پیامبر (صلی الله و علیه و آله) فرمود: «نماز اول وقت، مثل من است و نمازهای با تأخیر، مثل پیامبران دیگر است». و در حدیثی دیگر فرمود: «نماز اول وقت، مثل خورشید است و نمازهای دیرتر مثل ستاره‌ها».

۲. انجام مستحبات

معصومان (علیهم السلام) مستحباتی را به ما آموخته‌اند. مستحباتی نظیر: با لباس پاکیزه عبادت کردن، مسواک زدن، از عطر و بوی خوش بهره‌مند شدن، در مسجد نماز خواندن، به جماعت نماز خواندن و.. مایه کمال عبادت هستند.

۳. عبادت در سختی

در احادیثی آمده: آن‌هایی که به ناچار عبادتشان را در موقعیت سختی (مانند جبهه جنگ) انجام می‌دهند، عبادتشان کامل‌تر از دیگران است.

۱. شرح الکافی - (مولی صالح المازندرانی)، ج ۸، ص: ۶۰؛ أفضل الأعمال أحمدیها

عبادت شخص بیمار با سختی انجام می‌شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهَتْ نَفْسُكَ عَلَيْهِ»^۱ برترین عمل‌ها، عملی است که خودت را به سختی بیندازی. کسی که نایبنا، یا ناشنواست، و یا کسی که دست و پایش شکسته و در بیمارستان بستری است، اما در عین حال نمازش را به وقت انجام می‌دهد، نمازش کامل‌تر است. بنابراین، یکی از شرایط کمال آن است که آن عبادت در موقعیت دشوار انجام شود.

^۱ صبحی صالح، نهج البلاغة، ص ۵۱۱؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۳.

۴. سبقت در عبادت

سبقت در عبادت، موجب کمال عبادت می‌شود. کسی که زودتر به سمت عبادت حرکت می‌کند، عبادتش کامل‌تر است. قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ﴾^۳ کسانی که پیش از فتح مکه انفاق کردند و به میدان جهاد آمدند، با آن‌هایی که پس از فتح مکه آمدند، یکسان نیستند؛ آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح مکه انفاق و جهاد کردند، بلندپایه‌ترند.

مثل آن‌هایی که پیش از ۲۲ بهمن و دو - سه ماه زودتر به میدان تظاهرات آمدند، چرا که، خطر بیشتری داشت. کسانی که سرعت و سبقت بیشتری دارند، عملشان کامل‌تر است. در روایات آمده: صبح جمعه که می‌شود، فرشتگان به محل نماز جمعه می‌آیند. و به ترتیب، نام کسانی را که به نماز جمعه می‌آیند، ثبت می‌کند.^۴

۵. لحاظ قرار دادن اولویت در عبادت

انجام کار مهم‌تر، مایه کمال عبادت است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاجٍ»^۵ تا فامیل محتاج دارید، صدقه به دیگران نمی‌رسد. نه این که آن صدقه، ثواب نداشته باشد، بلکه کامل نیست. صدقه کامل صدقه‌ای است که اولویت در آن لحاظ شود. در قرآن آمده: اگر می‌خواهید انفاق کنید، ابتدا والدین، سپس به بستگان نزدیک، بعد به یتیمان و بعد به بیچاره‌ها انفاق کنید.^۶ حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود: «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أُضْرَتْ بِالْفَرَائِضِ»^۷ اگر نمازهای نافله، به واجبات ضرر می‌رساند، آن را انجام ندهید. نماز واجب، اولویت دارد. وقتی کسی به هیئت می‌رود و نماز صبحش قضا می‌شود، نباید به آن هیئت برود. این اولویت، نشانه کمال است.

۶. دوام در عبادت

بسیاری افراد به طور موسمی و مقطعی عبادت می‌کنند. اگر عبادت، دوام داشته باشد، نشان دهنده کمال است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۸ اگر در راه خدا استقامت کنند، ما آن‌ها را از آب گوارایی سیراب خواهیم کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره «استقامت» فرمودند: «قَلِيلٌ مَدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ»^۹ کم ادامه دار، بهتر از زیاد مقطعی است. عبادت‌هایمان را به صورت مستمر انجام دهیم؛ برای مثال، هر شب جمعه یک صفحه «دعای کمیل»

^۳. حدید: ۱۰.

^۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَرْسَلَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَائِكَةً مَعَهُمْ أَقْلَامٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ صُحُفٌ مِنْ فِضَّةٍ قِيَّاتُونَ وَ يَقْفُونَ بِيَابِ الْمَسْجِدِ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ الَّذِينَ يَأْتُونَ إِلَى الْمَسْجِدِ... (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۳۸).

^۵. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۴۷.

^۶. بقره: ۲۱۵.

^۷. نهج البلاغه، حکمت ۳۹.

^۸. جن: ۱۶.

^۹. ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۶۹.

بخوانیم، بهتر از این است که شب جمعه‌ای تمام دعای کمیل را بخوانیم و بقیه طول سال نخوانیم؛ یا از اول ماه رمضان هر شب مقداری از «دعای جوشن کبیر» را بخوانیم.

۷. بصیرت و تفکر در عبادت

از شرایط کمال نماز، بصیرت است. باید با معنا، مفهوم و تفسیر اذکاری که در نماز آمده است، آشنایی پیدا کنیم. مغضوبانی که در سوره «حمد» بدان اشاره شده است، چه کسانی هستند؟ «ضالین» چه کسانی‌اند؟ «انعمت علیهم» چه کسانی هستند؟ «صراط المستقیم» چه راهی است؟ «سبحان الله» یعنی چه؟ برای چه «تشهد» می‌خوانیم؟ دانستن این امور، نماز را به اوج می‌برد، کمال می‌دهد و نورپردازی می‌کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «وَلَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ»^{۱۰} در عبادتی که اندیشه در آن نباشد، خیری نیست. چرا من عبادت می‌کنم؟ من در این هستی چه جایگاهی دارم؟

۸. به عبادت مغرور نشویم

از چیزهایی که نماز را کامل می‌کند این است که ما به نمازمان مغرور نشویم و نماز و عبادت خودمان را به حساب نیاوریم.

عبادت پیامبر (صلی الله و علیه و آله)

از همسر پیامبر (صلی الله و علیه و آله) پرسیدند: بهترین خاطره‌ای که از پیامبر دارید، کدام است؟ گفت: شب‌زنده‌داری پیامبر (صلی الله و علیه و آله). مقدار کمی که شب استراحت می‌کرد، از خواب برمی‌خاست، به حیاط منزل می‌آمد، به ستاره‌ها چشم می‌دوخت و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره «آل عمران» را تلاوت می‌کرد:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبَابِ﴾؛ حقیقت این است که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه‌هایی است برای خردمندان.

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَي جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾؛ خردمندان کسانی هستند که در هر حال، ایستاده، نشسته و خوابیده، ذکر خدا را دارند و علاوه بر ذکر، فکر می‌کنند. ﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال این ذکر و فکر دست به دعا بر می‌دارند که: ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾؛ پروردگارا تو منزهی از اینکه این جهان را بیهوده بیافرینی، حتماً مرا برای هدفی آفریده‌ای، پس دستم را بگیر و از آتش نجات بده.

در حدیث می‌خوانیم:

^{۱۰}: کافی، ج ۱، ص ۳۶.

إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ القَلِيلَ عَلَى اليَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ؛^{۱۱} عبادتِ پیوسته کم، اما با یقین و معرفت، نزد خدا برتر است از عبادتی که زیاد باشد، ولی یقین در آن نباشد.

دوره آموزش آداب و اسرار نماز - ستاد اقامه نماز
سامانه آموزش مجازی مهدویت

^{۱۱}. کافی، ج ۲، ص ۵۷.

فلسفه عبادات

فلسفه عبادات و احکام

از فلسفه عبادات یا فلسفه احکام بسیار سؤال می‌شود. از همان قرن‌های نخستین که اسلام جهانی شد، به خصوص از وقتی که غیرمسلمان‌ها وارد فضای جامعه اسلامی شدند، این سؤال‌ها مطرح می‌شد: چرا خداوند، انبیاء را برای بشر فرستاده است؟ چرا انسان دوباره زنده می‌شود؟ چرا باید نماز خواند؟ چرا باید روزه گرفت؟ فلسفه حجاب چیست؟ چرا خوردن شراب حرام است؟ چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟

در این بخش می‌خواهیم به چند سؤال پاسخ بدهیم:

۱. آیا احکام، فلسفه دارند؟

۲. اگر احکام فلسفه دارند، آیا فلسفه احکام بیان شده است؟

۳. چرا فلسفه بعضی از احکام بیان نشده است؟

درباره سؤال اول باید بگوییم که احکام فلسفه، حکمت و دلیل دارند، چراکه؟ چون از جانب خدا آمده‌اند و خداوند هیچ چیزی را بی‌هدف نمی‌آفریند و هیچ دستوری را بی‌هدف صادر نمی‌کند. یکی از اسم‌های خداوند، «حکیم» است؛ یعنی آفریده‌ها و دستوراتش حکیمانه است؛ بنابراین، تمام عبادات و احکام، فلسفه دارند.

درباره سؤال دوم باید گفت، غالباً فلسفه احکام بیان شده است. اگر به آیات قرآن مراجعه کنیم، غالباً به دنبال دستور، امر و یا نهی‌ای، فلسفه آن بیان شده است؛ برای مثال، روزه بگیرید تا تقوا داشته باشید، نماز بخوانید تا یاد خدا باشید و جهاد کنید تا عزیز باشید. البته ممکن است عبادت یا حکمی چند فلسفه داشته باشد؛ مانند این که گاهی اطبا دارویی را برای چند منظور می‌دهند. برای همین می‌بینیم که در قرآن و حدیث گاهی برای یک حکم، سه یا چهار و یا بیشتر، دلیل و حکمت بیان شده است، برای مثال، از امام رضا فرمود (علیه السلام) روایت شده است: وضو چند حکمت دارد؛ پاکیزگی (بهداشت جسمی)، نشاط و شادابی (بهداشت روانی) و روشنایی دل (فلسفه معنوی).^{۱۲} ما کتاب‌های مستقلی در باب فلسفه احکام داریم؛ برای مثال، کتاب *علل الشرایع* شیخ صدوق (ره). امامان ما، بخصوص امامانی که فرصت‌های ویژه‌ای در اختیارشان قرار گرفته است، مثل امام صادق (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام)، شاید در هزاران مورد، پاسخ فلسفه احکام را گفته‌اند. بنابراین، فلسفه بیشتر احکام در قرآن و روایت بیان شده است.

علت بیان نشدن فلسفه برخی از احکام و عبادات

در پاسخ به سؤال سوم باید گفت، علت‌های متعددی سبب این امر می‌شود؛ یکی از علت‌ها، مطابق روایت معصوم این است که در آخرالزمان انسان‌ها به رشد عقلانی می‌رسند و راز این احکام را خواهند یافت؛ در واقع، بستری برای کنکاش و پژوهش انسان‌های وارسته فراهم می‌شود.

یکی دیگر از علت‌ها، مسئله آزمون و امتحان است؛ مانند فرماندهی که دستوراتش حکیمانه است، اما سربازان، بعضی از دستوراتش را متوجه نمی‌شوند. البته سرانجام می‌فهمند که این مانوری برای شناسایی افراد بود. فرمانده می‌خواست برایش روشن شود افرادی که ادعا می‌کنند، آیا در سختی‌ها هم تابع هستند.

^{۱۲}. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷.

تعبد در عبادت

یکی از آموزه‌های اساسی اسلام، تعبد است. چرا نماز می‌خوانیم؟ چون تسلیم و بنده خدا هستیم و آفریدگار ما برای خوش‌بختی ما این دستور را صادر کرده است. روزه می‌گیریم، حجاب را رعایت می‌کنیم، و خوردن شراب را حرام می‌دانیم، زیرا مطمئن هستیم در حرام‌ها فساد و ضرر است. مطمئن هستیم در واجب‌ها، فایده و مصلحتی برای انسان‌هاست؛ از این رو، تبعیت می‌کنیم، چه فلسفه آن را بدانیم و چه ندانیم. معطل نمانده و نمی‌گوییم: ما تا فلسفه روزه را ندانیم، روزه نمی‌گیریم؛ زیرا ما اسیر فلسفه نیستیم، بلکه عبد خداوندیم. همین اندازه که می‌دانیم خداوند این فرمان را داده است، تبعیت می‌کنیم و تسلیم هستیم.

البته خود خدا ما را کنجکاو آفریده است؛ دوست داریم راز آن حکم را بدانیم و بدین جهت است که خداوند در کتابش، اسرار عبادات را بیان فرموده است. اما خداوند گاهی می‌فرماید: ما عدد مأموران جهنم را نوزده قرار دادیم تا ببینیم چه کسانی فضولی می‌کنند. اصلاً خود این عدد را برای امتحان و آزمون قرار دادیم: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً﴾^{۱۳} این عدد نوزده را قرار ندادیم، مگر برای آزمون.

نقل شده: کسی در خیابان لاله‌زار تهران رد می‌شد و دید کسی ایستاده و مدام تکرار می‌کند: نوزده، نوزده، نوزده ... گفت: آقا، منظورت چیست؟ او جواب نداد. نفر دیگری از راه رسید و گفت: آقا چرا مدام تکرار می‌کنید نوزده، نوزده، و آن گفت: بیست، بیست، بیست ... و جواب نداد. سرانجام گفتند: جان هر کسی که دوست داری بگو جریان این تکرار اعداد چیست؟ گفت: من از صبح، فضول‌ها را می‌شمارم. تو فضول نوزدهمی هستی!

فلسفه تغییر قبله

گاهی خداوند می‌خواهد به خود انسان‌ها نشان بدهد که آیا واقعاً عبد خداوند و سر تا پا تسلیم فرمان خداوند هستند؟ این امر، برای آزمون است؛ برای مثال، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله) تا در مکه بود به سمت بیت‌المقدس نماز می‌خواندند و در مدینه نیز به سمت بیت‌المقدس نماز می‌خواندند. در نماز ظهری دستور آمد که رویتان را از بیت‌المقدس به سمت کعبه بچرخانید. آن‌گاه شور و درگیری در جامعه به وجود آمد که: آیا قبله اولی درست بوده یا دومی درست است؟ اگر اولی درست بوده، پس چرا عوض شده است؟ اگر قبله دومی درست است، پس ثواب این همه نماز که به سمت بیت‌المقدس خواندیم چه می‌شود؟ پاسخ آمد: که خود این تغییر قبله، نوعی آزمون بود. هم قبله اول درست بود، هم این قبله درست است و هر دو فرمان خداوند است. در واقع، و این تغییر قبله آزمونی برای شناسایی متعبدان بود.

چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟ مگر ما انسان نیستیم؟ مگر دختر و پسر با هم فرق دارند؟ دختر و پسر هیچ فرقی با هم ندارند، ولی حکمتی در این مسئله وجود دارد.

همچنین دیده زن و مرد متفاوت است. امام رضا (علیه السلام) حکمت این حکم را بیان فرمودند. حالا به فرض که ما آن حکمت را ندانیم، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید، چرا که ما بنده خداوند هستیم و به هر گونه که خداوند امر فرموده، اطاعت می‌کنیم.

^{۱۳}. مدثر: ۳۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۴.

نتیجه

ما از همان ابتدا پذیرفتیم که این جهان خدایی دارد. آن خداوند، بندگانش را آفریده و جهان را در اختیار آن‌ها قرار داده و برای خوش‌بختی آن‌ها پیامبران و کتاب‌هایی فرستاده است، البته بعضی افراد، تسلیم نیستند و مقابل خدا سرکشی می‌کنند و بعضی، «بندگی»، یعنی تسلیم دستورات خداوند بودن را انتخاب می‌کنند؛ چه فلسفه احکام را بدانند و چه ندانند. شایان ذکر است، در طی این ۱۴۰۰ سال، کتاب‌های بسیاری با عناوین: اسرار الصلاة، اسرار الخمس، اسرار الحج و... منتشر شده است. در روزگار خود ما نیز کتاب‌های بسیاری درباره این موضوع به زبان فارسی نوشته شده است.

سازمان آموزش آداب و اسرار نماز - ستاد اقامه نماز
سازمان آموزش مجازی مهدویت